

استقلال کانون وکلا و ساختار اداری و تشکیلاتی آن در نظام حقوقی ایران و فرانسه

علی اکبر شاهنظری کرباسرای^۱

ولی اله انصاری^۲

عزیزاله فضلی^۳

چکیده

جامعه وکلا در هیئت نهاد وکالت، بخش فرهیخته جامعه مدنی است که نقش احیاءگری در حوزه داخلی و بین‌المللی و نقش محوری در صیانت از حقوق فردی و استیفای حقوق جامعه و تقویت پایه‌های عدالت دارد و این برتری هم از جنبه عقلانی و هم از جنبه واقعی، اصلی انکارناپذیر است. به دلیل اهمیت نهاد وکالت و استقلال آن، قوانین متعددی تاکنون به تصویب رسیده است تا استقلال این نهاد را از جنبه‌های مختلف حفظ کند.

چگونگی طراحی ساختار، تشکیلات و مناسبات اداری و مالی آن‌ها، یکی از حساس‌ترین امور مورد ملاحظه در مقوله استقلال و کارکرد قانونی این نهاد است که در تمامی کشورها به آن توجه شده است. به همین منظور، در این مطالعه که به صورت تحلیلی و توصیفی انجام گرفته، وضعیت استقلال نهاد وکالت و ساختار اداری و تشکیلاتی آن در نظام حقوقی ایران و فرانسه بررسی گردیده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در هر دو کشور با وجود تفاوت‌های قانونی و کارکردی، مشابهت‌هایی از نظر ساختار اداری و تشکیلاتی کانون وکلا و از نظر قوانین ناظر بر این صنف وجود دارد.

واژگان کلیدی: کانون وکلا، استقلال وکلا، ساختار، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی فرانسه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ali.shahnazari@gmail.com

۲. استاد، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، drvaliansari@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، azizolla.fazli@gmail.com

مقدمه

جامعه وکلا در هیئت نهاد وکالت، بخش فرهیخته جامعه مدنی اند که نقش احیاءگری در حوزه داخلی و بین‌المللی و نقش محوری در صیانت از حقوق فردی و استیفای حقوق جامعه و تقویت پایه‌های عدالت دارند و این برتری هم از جنبه عقلانی و هم از جنبه واقعی اصلی انکارناپذیر است. از نیمه دوم قرن بیستم و با تقویت فرآیند حق دفاع از حقوق شهروندان با حضور وکیل مدافع در مراحل دادرسی، نهاد وکالت، شاهد تحولات شگرفی بود و جامعه بین‌المللی با تنظیم اسناد بین‌المللی به ویژه در حوزه حقوق بشر به استقبال این تحول تاریخی رفت. چنین تحولی با شکل‌گیری اتحادیه وکلا در عرصه داخلی کشورها و نیز حوزه بین‌الملل، دولت‌ها را به سمت دادرسی عادلانه و تحکیم مظاهر دادرسی منصفانه با هدف الزام آن‌ها به رعایت حقوق شهروندان رهنمون ساخت. امروزه دیگر نمی‌توان این حقانیت را انکار کرد که نهاد وکالت در چارچوب قوانین با هر شاکله‌ای، علاوه بر تحکیم بلوغ دموکراتیک در احقاق حقوق و تثبیت تکالیف شهروندی، نقشی اثرگذار در توسعه امید عمومی با هدف دفاع از حقوق جامعه دارد.^۱

راهکار خودتنظیمی، راهکاری است که در مشاغل خصوصی تحت عنوان «نظام حرفه‌ای» در پیش گرفته می‌شود. در این قالب، هر واحد صنفی از زمان دریافت مجوز فعالیت تا پایان فعالیت، با نظام حرفه‌ای مربوط به خود سروکار دارد و تحت نظارت و بر اساس مقررات موضوعه آن فعالیت می‌کند. به تعبیر دیگر، نظام حرفه‌ای، مجموعه‌ای از مقررات و ساختارهای مربوط به مشاغل خصوصی است که بر فعالیت مشاغل یادشده نظارت دارد و به حل اختلافات و رسیدگی به آن‌ها و نیز وضع استانداردهای لازم حرفه‌ای مربوط می‌پردازد.^۲

استقلال کانون وکلا از آن روی واجد اهمیت است که تنها در صورتی می‌توان از استقلال وکیل سخن گفت که کانون متعلق به آنان به صورتی صنفی، مردمی و مستقل باشد و فارغ از دخالت قوای حاکمه،

۱. ادیب‌زاده، یوسف و حبیب‌الله حبیبی، «جایگاه بین‌المللی نهاد وکالت»، تارنمای اینترنتی ایرنا، ۱۳۹۹، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۸/۲.

www.irna.ir/news

۲. واعظی، سید مجتبی، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۴۰۰، ص ۲۰۳.

به وظایف محوله خویش عمل کند. استقلال این نهاد می‌تواند به وکلای عضو آن مصونیت اعطا کند تا وکیل در سایه این مصونیت با شهادت، جرئت و توان بیش‌تر و بدون واهمه در راه مبارزه با ظلم و بی‌قانونی گام بردارد.^۱ به باور بسیاری از کارشناسان، «سه ستون اصلی حمایت از حاکمیت قانون در جوامع دموکراتیک و تضمین حقوق بشر، قضات، دادستان‌ها و وکلای هستند. لذا تضمین استقلال قضایی در این سه محور اساسی و مهم را باید ضروری دانست؛ چراکه عدم استقلال هر یک از این‌ها، خدشه بر حاکمیت قانون، حقوق انسانی و نقض دادرسی عادلانه را در پی خواهد داشت».^۲

با توجه به ضرورت حضور وکیل در عرصه دفاع و دادخواهی باید گفت تعیین وکیل هنگامی موجب آرامش خاطر موکل و احقاق حقوق وی خواهد شد که علاوه بر آن که مستقل از قوای حکومتی باشد و در برابر آن‌ها از آزادی و استقلال برخوردار باشد، از حمایت‌های شغلی نیز بهره‌مند باشد.^۳ از این رو، با مطالعه تطبیقی میان دو کشور ایران و فرانسه، استقلال کانون وکلا و ساختار اداری و تشکیلاتی آن‌ها بررسی و به این دو سؤال اساسی پاسخ داده می‌شود: مفهوم استقلال کانون وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران و فرانسه چیست؟ ساختار اداری و تشکیلاتی کانون وکلای ایران و فرانسه چگونه است؟

گفتار اول. ابعاد استقلال وکلا در حقوق ایران و فرانسه

به باور بسیاری از حقوق‌دانان، استقلال حرفه وکالت، ضامن اساسی ترویج و صیانت از حقوق بشر محسوب می‌گردد و از ضروریات دست‌یابی مؤثر و مناسب به خدمات حقوقی است. برای استقرار و صیانت از حکومت قانون، وجود یک نظام عادلانه قضایی که بدون هیچ محدودیت نابجا، فشار یا دخالت مستقیم یا غیر مستقیم بتواند استقلال وکلا را در ایفای وظایف حرفه‌ای آنان تضمین کند، الزامی است.^۴ از این رو، استقلال وکیل به عدالت جان می‌دهد، متجاوزان را تهدید و تعقیب می‌کند،

۱. شکریان، امیر و فرشاد خزایی، «لزوم استقلال نهاد وکالت و راهکارهایی برای تعامل این نهاد با قوه قضاییه»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه استانداردهای وکالت، دوره بیست و پنجم، ۱۴۰۱، ص ۳۱۲.

۲. سلیمیان، ابوالفضل و سعید دریایی بغدادآبادی، «جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۹، ۱۳۹۴، ص ۶۹.

۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر و فرشته اسدی، «مصونیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوق، دوره سی و هشتم، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸.

۴. ذوالعین، نادر، «بررسی آیین وظایف صنفی وکلای دادگستری جامعه اروپا»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۶۶، ۱۳۹۷، ص ۱۳۸.

محاکم را قانون‌مند، اصحاب دعوا را هدایت و قانون را به شکل واقعی‌تر اجرا می‌کند که نتیجه‌ای جز برپایی جامعه‌ای منظم و آرمانی در پی نخواهد داشت. می‌توان انتظار داشت که با رعایت این موضوع، اسناد بین‌المللی حقوق بشری اجرا و دستگاه قضا و بالطبع آن، حکومت نیز معتبر شمرده و آرای محاکم آن در سطح بین‌المللی ارزشمند انگاشته شود.

واقعیت این است که استقلال وکلا، امری شخصی یا حتی صنفی و گروهی نیست. استقلال وکیل دادگستری بستگی تام و تمام به حق دفاع دارد. حق دفاع هم مسئله‌ای اجتماعی و جزء حقوق ملت است. اصل ۳۴ قانون اساسی در مبحث مربوط به حقوق ملت، دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و اصل ۳۵ نیز در همان مبحث، حق داشتن وکیل را در همه دادگاه‌ها برای طرفین دعوا به رسمیت شناخته است. در هر جامعه‌ای که این حقوق تضمین شود، عدالت برقرار می‌شود و قانون‌شکنی به حداقل خواهد رسید. وکلای دادگستری به عنوان وسیله‌ای برای حق دفاع و شهروندان به عنوان موضوع این حق، جبهه‌ای واحد دارند و خواسته وکلا در استقلال در حقیقت، خواسته شهروندان است. اصولاً استقلال حرفه وکالت از چند جنبه قابل توجه و تأمل است.^۱

با مطالعه اسناد بین‌المللی روشن می‌شود که استقلال وکیل به وجود ویژگی‌ها و ضوابط و استانداردهایی وابسته است که با تحقق همه آن‌ها می‌توان مدعی استقلال وکیل و در نتیجه، تضمین حق دفاع و حق دادرسی عادلانه شد. برخی از این ضوابط و استانداردها عبارتند از:

الف) وابستگی نداشتن به حاکمیت؛
ب) امکان تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای خودگردان و حق پیوستن به آن‌ها؛
ج) مدیریت مستقل و برآمده از میان وکلای فعال؛

د) مصون بودن از مداخلات نابجای حکومت و دیگر مراجع قدرت؛

ه) مصونیت مدنی و کیفری؛

و) داشتن امنیت شغلی و حرفه‌ای.^۲

۱. حسین آبادی، امیر، «استقلال وکیل: شرط دادرسی عادلانه، پایگاه خبری اختیار»، تاریخ دسترسی به متن: ۱۴۰۲/۵/۱، ۱۴۰۲: www.ekhtebarebar.ir.

۲. حسینی آزاد، علی، حق برخورداری از وکیل در موازین حقوق بین‌الملل بشر و تجربه موفق برخی کشورها، تهران: امور تحقیق

وکیل دادگستری باید در انتخاب موکل آزاد باشد و بتواند دفاع از هر شخص با هر نوع اتهام را بدون دغدغه بپذیرد. موکل هم باید آزاد باشد تا دفاع از حقوق را به هر وکیلی که مایل است، واگذار کند. چنانچه وکیل تصور کند اگر وکالت فلان شخص با فلان مسلک، مذهب یا مرام را بپذیرند، برای او تبعاتی در پی خواهد داشت یا اگر در دفاع از موکل، فلان مطلب را بگوید یا بنویسد، پرونده‌سازی و تعقیب و توقیف در انتظار اوست، هرگز دادرسی عادلانه صورت نمی‌گیرد. مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۱، مصوبه‌ای را در زمینه مصونیت وکیل در دفاع از موکل تصویب کرد که به موجب آن، وکلا در مقام دفاع از تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردارند. با این حال، این مصوبه در عمل چندان رعایت نشده است و وکلایی هستند که به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند و کانون وکلا برای استخلاص ایشان اقداماتی کرده و پی‌گیر موضوع است.

تضمین کلیدی عام و حراست از استقلال وکلا، قانون‌مندی عام تخلفات و تشریفات رسیدگی است. در حوزه تشریفات رسیدگی، مهم‌ترین ضمانت اجرا، قانون‌مندی تعلیق وکیل و تشریفات مربوط به آن است. به موجب ماده ۱۷ لایحه استقلال، «هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع کرد، مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.» هم‌چنین به موجب ماده ۱۸ همین لایحه، تقاضای تعلیق صرفاً به وزیر دادگستری، رئیس هیئت مدیره کانون یا شش نفر از اعضای هیئت مدیره کانون محدود شده و رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آن بنا به تقاضای مشتکی‌عنه و وزیر دادگستری یا رئیس کانون ممکن بوده و صرفاً در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضا قرار گرفته است. حصری و محدود بودن امکان تقاضای تعلیق، مرجع رسیدگی به آن و رسیدگی فوری به تقاضای تجدیدنظرخواهی از تصمیم تعلیق، تضمینات مهمی است که در دیگر موارد وجود ندارد و در واقع، ناظر بر تأمین استقلال و مصونیت وکیل در انجام وظایف حرفه‌ای اوست. دادگاه عالی انتظامی قضا بارها به این سازوکار استناد کرده است.^۱

وکلا از قدیمی‌ترین صاحبان مشاغل قضایی در فرانسه هستند که در سال‌های پیش از اصلاحات (۱۹۷۱ و ۱۹۹۱) به طور گسترده بر اقامه و دفاع از دعاوی در محاکم تمرکز داشته‌اند. از نقش‌های اصلی

و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۹۲، ص ۲۴.

۱. واعظی، سید مجتبی، «مسئولیت انتظامی وکلا و اصول رسیدگی به آن»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه استانداردهای وکالت، شماره ۱۰۰، ۱۴۰۱، ص ۳۸.

وکلا در فرانسه می‌توان به تهیه و تنظیم دفاعیات و لوائح مکتوب، ارائه مشاوره حقوقی و تهیه و ارائه اسناد و مدارک اشاره کرد. وکلا باید بتوانند در مرحله دفاع در کنار موکل خود حضور یابند و در صورت نیاز، اظهارات و مطالبی را به نیابت از آنان بیان کنند. هم‌چنین دارای این اختیار ضمنی هستند که به قائم مقامی از طرف موکل خود اقدام کنند و ضرورتی ندارد که این اختیار به صراحت به آنان داده شده باشد. هم‌چنین باید در نظر داشت که وکلا، هیچ‌گونه انحصاری در ارائه مشاوره حقوقی ندارند و افرادی مانند سردفتران و اشخاصی که با وجود دارا بودن مدارج حقوقی، هیچ‌گونه شرایط شغلی ندارند، می‌توانند در برخی شرایط، مشاوره حقوقی ارائه کنند.^۱

در فرانسه نیز نخستین اصل قید شده در ماده اول قانون این کشور این است که وکالت دادگستری، یک شغل آزاد و مستقل است. شغل آزاد به این معناست که تصمیم‌گیری درباره قبول پرونده و انتخاب شیوه عمل و نحوه استدلال به عهده وکیل است. استقلال در امر وکالت، ضمانتی برای عموم و برای اجرای عدالت است و وکیل دادگستری را از هر گونه اعمال نفوذ یا فشاری در امان می‌دارد. اصول دیگری که یک وکیل دادگستری در انجام حرفه خویش صریحاً موظف به رعایت آن است، به ترتیب عبارتند از: حفظ شأن و وقار، وجدان، استقلال، درست‌کاری و انسانیت، حفظ احترام خویش و وفاداری. در ضمن هنگام تحلیف برای آغاز حرفه وکالت، وکلای فرانسه به حفظ استقلال خود متعهد می‌گردند و این سوگند را یاد می‌کنند: «من به عنوان وکیل سوگند یاد می‌کنم که وظایفم را براساس صداقت، وجدان، استقلال، درست‌کاری و انسانیت انجام دهم».^۲

گفتار دوم. استقلال در سازمان و ساختار حرفه‌ای وکالت در حقوق ایران و فرانسه

منظور از استقلال در سازمان و ساختار حرفه‌ای وکالت، استقلال ارکان نهاد وکالت در برابر ارگان‌های سیاسی و اجرایی در هر نظام اجتماعی است، به این مفهوم که کانون وکالت، یکی از ارکان دولتی نیست و وکیل نیز کارمند و حقوق‌بگیر دولت نباشد. استقلال حرفه وکالت، ضامن اساسی ترویج و صیانت از حقوق بشر و از ضروریات دستیابی مؤثر و مناسب به خدمات حقوقی است. برای

۱. الیوت، کاترین و ورنون، **نظام حقوق فرانسه**، ترجمه: صفر بیگزاده، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶.

۲. انصافداران، محمدرضا، **بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری**، تهران: جنگل، ۱۳۸۶، ص ۱۸۹.

استقرار و صیانت از حکومت قانون، وجود نظام عادلانه قضایی که بدون هیچ محدودیت نابجا، فشار یا دخالت مستقیم یا غیر مستقیم بتواند استقلال وکلا را در ایفای وظایف حرفه‌ای آنان تضمین کند، الزامی است.^۱

بر همین مبنا، استقلال کانون وکلا نیز به معنای جدایی آن از قوای حاکمیت با برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل و صلاحیت تصمیم‌گیری درباره متقاضیان ورود به این حرفه و مدیریت خود و تدوین قواعد مورد نیاز است. اگر وکیل یا تشکیلات حرفه‌ای موجود نظیر کانون وکلا به دیگر قوا وابسته باشد، بدون شک، اصل تفکیک قوا مخدوش می‌شود.

در نظام‌های حقوقی مختلف، سازوکارهای وکالتی مختلفی مشاهده می‌گردد که از نظر عملکرد این نظام‌ها در مورد استقلال حرفه وکالت و کانون وکالت می‌توان کشورها را به سه دسته اصلی تقسیم کرد که به ترتیب عبارتند از:

الف) کاملاً مستقل و غیر دولتی؛

ب) وابسته به دولت با حفظ استقلال در عملکرد؛

ج) دولتی؛

بند اول. سیری در قانون‌گذاری در مورد کانون‌های وکلا در حقوق ایران و فرانسه

وکالت دادگستری تا پیش از انقلاب مشروطیت تابع قانون یا نظامی نبود و هر شخص می‌توانست بنا بر قواعد عمومی عقد وکالت در فقه امامیه، وکیل دیگری شود، به گونه‌ای که در پی وضع نخستین نظام‌نامه و مقررات پس از انقلاب مشروطیت، کسانی که به عنوان وکیل متداعیین در دادگاه‌ها حاضر می‌شدند، دخالت وزارت دادگستری را موجب نفی آزادی وکالت دانستند و دست به اعتراض زدند. با این حال، باید اذعان کرد که مقررات شرعی برای تبدیل روابط وکالتی به شغل و حرفه کافی نبود و لازم بود برای آموزش وکلا و رسمیت بخشیدن به حرفه آنان که برابر با ارج‌گزاری به آن نیز بود، مقرراتی وضع شود. پس از وضع این مقررات و نظم یافتن این حرفه، تلاش‌ها برای تبعیت کامل وکلا از وزارت دادگستری با رشد مفهوم حقوق و حاکمیت قانون در کشور با شکست روبه‌رو گردید و در سال ۱۳۳۱

۱. ذوالعین، نادر، «وکالت دادگستری در فرانسه؛ حرفه‌ای تحت حمایت و نظارت کانون وکلا»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۳، ۱۳۸۰، ص ۳۶.

در نتیجه همکاری قوای مقننه، قضاییه و اجرایی، استقلال کانون وکلای دادگستری پذیرفته شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امیدها به تکامل بیش تر مفهوم کانون وکلای دادگستری در جامعه حقوقی پس از سال ۱۳۵۷ وجود داشت، به گونه ای که در هیچ یک از اصول قانون اساسی درباره قوه قضاییه، به وکالت دادگستری و کانون وکلا اشاره نشد، بلکه در بخش مربوط به حقوق ملت به اصل برخورداری از خدمات وکیل دادگستری تصریح گردید که در پذیرش استقلال کانون وکلا و حرفه وکالت و صنفی و مستقل بودن آن ریشه دارد.^۱

بر اساس حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۵ که چنین مقرر کرده است: «در همه دادگاه ها، طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند، باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد»، حرکت نهاد کانون وکلاد در نظام حقوقی ایران به ویژه پس از انقلاب اسلامی سمت و سوی دیگری پیدا کرد. لایحه قانونی راجع به تصفیه و پاک سازی در کانون وکلای دادگستری، مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۵۹ شورای انقلاب، یکی از این قوانین است که به شورای سرپرستی وزارت دادگستری اجازه داد به وکلای دادگستری هم چون کارمندان دولت نگرسته شود. به این منظور با تشکیل هیئتی مرکب از پنج وکیل دادگستری که باید برای تأیید به شورای انقلاب پیشنهاد شوند، کانون وکلای دادگستری را تصفیه و پاک سازی کند. این مصوبه هم چنین مقرر کرد که تا تصفیه کامل در کانون وکلای دادگستری، انتخابات هیئت مدیره جدید برگزار نشود و هیئت مدیره فعلی کانون وکلی دادگستری هم چنان اختیارات قانونی خود را دارا باشند.^۲

با این حال، سیر تحول نهاد وکالت و کانون وکلا پس از انقلاب اسلامی به نحوی بود که به ویژه با قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت ۱۳۷۶ و ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، هم نظارت بر وکلا و کانون وکلا از سوی قوه قضاییه افزایش یافت و هم قوه قضاییه، به تربیت وکلا و مشاوران حقوقی دست زد که خود، متولی صدور و تمدید پروانه و رسیدگی به تخلفات انتظامی آنان و نصب هیئت اجرایی مدیریت است. چنین امری، بیم نفی استقلال کانون وکلا و وکالت دادگستری را افزایش می دهد.^۳

۱. محسنی، حسن، «تحولات دادگستری و کانون وکلا: از تبعیت به استقلال، از استقلال به تبعیت»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و چهارم، شماره ۴، ۱۳۹۳، ص ۶۱۳.

۲. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (جلد ۱)، تهران: دراک، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶.

۳. محسنی، پیشین، ص ۶۱۱.

در برخی دوره‌ها، رییس قوه قضاییه در حوزه وضع قانون و دستورالعمل‌ها، با ابلاغ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۵، سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۷/۲۲ و سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۳ با رویکرد صیانت از حقوق عامه، حمایت از حقوق شهروندی، معاضدت قضایی و حمایت از حقوق بشر کوشیده است. با این حال، برخی اقدامات صورت‌گرفته با اعتراض شدید کانون‌های وکلای دادگستری کشور همراه بوده است. دو نمونه از این اقدامات، تشکیل اداره کل نظارت بر وکلای دادگستری در معاونت حقوقی قوه قضاییه است و دیگری، تقویت و توسعه موازی نهاد مرکز مشاوران قوه قضاییه (وکلاي موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹) و اعطای پروانه وکالت از سوی قوه قضاییه به وکلای محترم موضوع این قانون است که در تعارض با مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی در حوزه وکالت و لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ارزیابی می‌شود.^۱

در فرانسه قوانین قابل اجرا در مورد وکالت دادگستری عبارتند از: قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱، قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ و آیین‌نامه اجرایی ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱. وکلا در فرانسه به طور سنتی به موکلان خود که یکی از طرفین دعوا بودند، مشورت می‌دادند، اما از اول ژانویه ۱۹۹۲ که سال ادغام حرفه مشاوره حقوقی با حرفه وکالت محسوب می‌شود، این دو حرفه تحت عنوان وکیل دادگستری درآمد است که هم‌زمان در امر مشاوره حقوقی و اقدامات قضایی عمل می‌کنند.^۲

بند دوم. استقلال در مقررات‌گذاری کانون‌های وکلا در حقوق ایران و فرانسه

استقلال در تدوین مقررات اخلاق حرفه‌ای و آیین‌نامه‌های مورد نیاز، جلوه دیگری از استقلال است. در خصوص اخلاق حرفه‌ای باید گفت این قواعد نه قانون به معنای خاص هستند و نه اخلاق به معنای مرسوم، بلکه نوعی عرف و رویه‌های عرفی به شمار می‌آیند. از این رو، کسانی که با آن عرف درگیرند، می‌توانند آن را تشخیص دهند و تدوین کنند. ماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری به درستی بر این استقلال تأکید کرده است: «کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون،

۱. شکریان و خزایی، پیشین، ص ۳۱۳.

۲. خانی‌والی‌زاده، سعید، «حق برخورداری از وکیل در رسیدگی‌های اداری در ایران و فرانسه»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۷، ۱۳۹۷، ص ۱۹۳.

آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آن‌ها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می‌نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجرا گذاشته می‌شود».

با وجود این، دیوان عدالت اداری بدون توجه به ماهیت این قبیل مقررات، بند ۸ ماده ۳۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا را به موجب رأی شماره ۲۷۰ هیئت عمومی این دیوان مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ باطل کرده یا این‌که در خصوص تمام مفاد آیین‌نامه یادشده که پیش از این، در دادنامه شماره ۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ وارد شده، اظهار نظر کرده است. این رویه به دلایل مختلف قابل تأیید نیست؛ چون تصویب وزیر دادگستری در خصوص آیین‌نامه‌های کانون وکلا، آن‌ها را به اعمال اداری تبدیل نمی‌کند. در حقیقت، وزیر دادگستری در این جا وضع قاعده نکرده است تا مسئله تشخیص مطابقت آن با قوانین یا شرع مطرح باشد، بلکه این هنجارها را وکلا با توجه به عرف و رویه حرفه‌ای خود تعریف کرده‌اند و تصویب این مقام، چیزی بر ماهیت صنفی و خصوصی آن نمی‌افزاید.^۱

در فرانسه، کانون وکلا از نظر تصویب تشکیلات اداری دارای استقلال کامل است. وکلای دادگستری هر حوزه قضایی فرانسه درون نهادی صنفی گرد هم آمده است تا مقررات حاکم بر حرفه خود را در چارچوب قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی قابل اجرا تنظیم کند و خود بر اجرای صحیح آن نظارت و به طور هم‌بسته از حقوق صنفی خود در مقابل هر گونه تعرضی خارج به ویژه از جانب مقامات دولتی حمایت و دفاع کنند. این نهاد، کانون وکلای دادگستری است و شخصیت حقوقی دارد که نقش حامی حقوق و ناظر بر اجرای تعهدات دسته‌جمعی وکلای عضو آن را دارد و به عنوان سخن‌گوی رسمی این صنف اقدام می‌کند.^۲

از نظر وجاهت قانونی تشکیل انجمن‌های تخصصی و مستقل، بند ۲۱ قطع‌نامه اصول اساسی، امکان و اجازه تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای خودگردان مستقل و حق پیوستن به آن‌ها را به وکلای ارائه کرده است. این بند مقرر می‌دارد: «وکلا حق خواهند داشت که انجمن‌های حرفه‌ای خودگردانی

۱. محسنی، حسن و مجید غمامی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۳۱۱.

۲. ذوالعین، پیشین، ص ۷۸.

تشکیل دهند یا به آن‌ها ملحق شوند که نماینده منافع آن‌هاست و آموزش و تحصیلات آن‌ها را ارتقا می‌بخشد و از اعتبار شغلی آن‌ها حمایت می‌کند». اصولاً رکن اصلی این گونه انجمن‌های حرفه‌ای توسط اعضای آن‌ها برگزیده می‌شود و وظایف خود را بدون مداخله بیرونی انجام خواهند داد.

استقلال کانون در راستای حمایت از استقلال وکلا چنان اهمیت دارد که «کانون وکلا در فرانسه از اعضای خود در مقابل هر گونه فشار یا تهدیدی از سوی مقامات یا طرف‌های دعا به طور قاطعانه حمایت می‌کند. قاطعیت این حمایت به حدی است که از نظر کانون می‌توان از نوعی مصونیت برای وکیل دادگستری هنگام انجام وظایفش در راستای حمایت از موکلش سخن به میان آورد». بنا به ماده ۱۸ مصوبه مجمع عمومی کانون بین‌المللی وکلا (نیویورک، سپتامبر ۱۹۹۰)، کانون وکلا علاوه بر تأمین استقلال وکالت در میان وظایف خود، دارای کارکردهای مهم دیگری نظیر: پیشبرد و حمایت از استقرار عدالت بدون واهمه و مدارا؛ دفاع از شرف، عزت، صداقت، صلاحیت، اخلاق، معیارهای رفتار؛ انضباط حرفه‌ای؛ حمایت از استقلال مادی و معنوی وکیل از موکل؛ دفاع از نقش وکیل در اجتماع؛ حفظ استقلال حرفه وکالت و حمایت و دفاع از شأن و استقلال قوه قضاییه است.^۱

گفتار سوم. جایگاه تنظیم‌گری دولت در نهاد وکالت در حقوق ایران و فرانسه

مدت‌هاست که اشتغال به حرفه وکالت به طور ویژه مورد توجه نظام تقنینی کشورها قرار گرفته و نسبت به آن، شرایط و نظامات خاصی در نظر گرفته شده است. به گونه‌ای که امروزه، این حرفه از حوزه ابتکارات خصوصی اشخاص خارج گردیده است و از آن به عنوان یک خدمت عمومی یاد می‌شود. بر همین اساس نیز دولت‌ها وظیفه دارند تدابیر لازم را برای تأمین مطلوب و کارآمد آن انجام دهند. از همین رهگذر، مفهوم تنظیم‌گری دولت نسبت به کانون‌های وکلا به منصفه ظهور می‌رسد و از طریق سازوکار وضع قوانین و مقررات مربوط و با هدف ارتقای منفعت عمومی و صیانت از حقوق اشخاص اجرایی می‌شود. به عبارتی، مسئولیت دولت در تأمین و نه لزوماً ارائه خدمات عمومی، مستلزم طراحی نظام حقوقی متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف مرتبط با آن است.^۲

۱. قهرمانی، نصرالله و ابراهیم یوسفی محله، مجموعه کامل مقررات وکالت، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲.

۲. اصغریان، مجتبی و همکاران، «مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت: مطالعه موردی نظام حقوقی انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و هفتم، شماره ۱۲۱، ۱۴۰۲، ص ۳.

دولت تنظیم‌گر جدید به واسطه اتکا بر نهادهای خود تنظیم و نظام‌های پیروی، کدهای رفتار و دیگر فنون واکنشی که جایگزین فرمان و کنترل مستقیم است، از دولت تنظیم‌گر در معنای متقدم آن متمایز می‌شود. بنابراین، ویژگی‌های دولت تنظیم‌گر جدید، تمرکززدایی، حکومت کردن با فاصله و رتبه‌بندی است.^۱

کارکرد وجودی نهاد و نظام صنفی، کارکردی یک‌سویه و صرفاً کنترلی نیست و با توجه به این‌که متشکل از خود اعضای صنف است، طبیعی است که انتظار یک رویکرد حمایتی را از آن نسبت به اعضا داشته باشیم. به نحوی که می‌توان گفت اولین دلیل گردهم‌آیی اعضا و تن دادن به برخی نظامات و محدودیت‌ها، امید به برخورداری ویژه قانونی از سوی نظام مربوط است که از جمله مهم‌ترین کارکردهای حمایتی نهاد صنفی نسبت به اعضای خود و تجلی عملی خودتنظیمی است.^۲ دولت‌ها، نهادهای تنظیم‌گر را تأسیس می‌کنند ولی آنها برای انجام دادن وظایف خود باید استقلال عمل داشته باشند تا بتوانند صلاحیت‌هایی مثل وضع مقررات، وضع جرمه، صدور و ابطال مجوزها و تعلیق مؤسسات اقتصادی را اعمال کنند.^۳

با تردیدهایی که نسبت به وجود تنظیم‌گری به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل از وظایف و مأموریت‌های سنتی دولت مطرح می‌گردد، یک پرسش اساسی قابل طرح است: حقوق تنظیم‌گری به عنوان یک تأسیس جدید حقوقی دارای چه وجوه تمایزی نسبت به کارکرد و مأموریت‌های کلاسیک حقوق و دولت یعنی تأمین نظم و امنیت و حفظ حقوق و آزادی‌ها و برقراری برابری و عدالت است؟ تنظیم‌گری به عنوان یک تأسیس حقوقی خاص و به نسبت نو را در حقوق عمومی و اداری از تنظیم‌گری حقوقی در مفهوم عام و کلاسیک آن باید تفکیک کرد. در مفهوم عام، تنظیم‌گری حقوقی همان کارکرد و نقش حقوق موضوعه را دارد و در مفهوم خاص، پارادیم جدیدی با کم و کیف خاص از مداخله دولت در نظم طبیعی روابط در بخش‌های مختلف حیات اجتماعی است و ناظر بر یک

۱. خداوردی آرش، حسین و همکاران، «آسیب‌شناسی حقوقی تنظیم‌گری دولت در حوزه رمز ارزها»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۴۰۲، ص ۶۸

۲. شمس، عرفان، خودتنظیمی، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶.

۳. سربازی، ناصر و همکاران، «واکاوی نقش تنظیم‌گری بانک مرکزی در معاملات اسناد تجاری در پرتوی قانون جدید چک»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۴۰۲، ص ۱۴۸

الگوی خاص اداره امور عمومی از طریق مجموعه‌ای از روش‌ها و ابزارهای خاص است.^۱

نهادهای حرفه‌ای وکالت از نظر میزان صلاحیت‌هایی که به آن‌ها اعطا شده است، از یک انجمن صنفی با کارکرد سندیکایی تا نهادهای حرفه‌ای برخوردار از برخی قدرت‌های عمومی در نوسان هستند. نهادهای اخیر دارای اختیارات شبه تقنینی (وضع مقررات)، شبه قضایی (رسیدگی‌های انتظامی) و اجرایی هستند و بدین ترتیب، بخشی از کارکردهای سه‌گانه دولت‌های امروزی را در حوزه یک حرفه خاص اعمال می‌کنند. به تناسب میزان اختیارات مربوط به قدرت عمومی که به قانون‌های وکلا واگذار می‌شود، این نهادها باید پاسخ‌گوی نحوه اعمال اختیارات یادشده باشند. یکی از موضوعات مورد توجه در خصوص نقش دولت در اداره کانون‌های وکلا، امکان ورود مستقیم دولت در زمینه اداره نهادهای یادشده و تنظیم امور حرفه‌ای مربوط در عرض کانون‌های وکلاست. خودانتظامی کانون‌های وکلا، از اصول مشترک در بیش‌تر نظام‌های حقوقی است.^۲

بند اول. ماهیت اقدامات ارائه‌شده توسط کانون‌های وکلا در حقوق ایران و فرانسه

وکالت در عین حال که به عنوان یک حرفه آزاد است، یک خدمت عمومی نیز به شمار می‌رود. وصف خدمت عمومی وکالت نباید در مفهومی مضیق آورده شود. خدمت عمومی عبارت است از سلسله فعالیت‌های ناشی از امتیازات و اختیارات حقوق و اصول خاص حقوق عمومی، اما مفهوم واقعی خدمات عمومی، اثرگذاری منظم و مستمر دولت یا اشخاص حقوق عمومی یا تحت نظارت و بازرسی آن‌ها به منظور برآورده ساختن نیاز و ضرورت‌های عمومی و مشترک یا فراهم ساختن مصالح و منافع عمومی جامعه است. با تدقیق در عبارت یادشده، جایگاه وکالت در تحقق عدالت به عنوان یک نیاز عمومی و حتی در قالب یک خدمت عمومی توجیه پیدا می‌کند.^۳

کانون‌های وکلا از جمله نهادهای مستقل هستند که به وسیله اعضایشان، خدمات حقوقی به مردم ارائه می‌دهند و در حقوق اداری به عنوان نظام حرفه‌ای که یک خدمت عمومی ارائه می‌دهند،

۱. یاوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳، ص ۶۳۵.

۲. تنگستانی، محمدقاسم و مهدی مرادی برلیان، «گستره نقش دولت در تنظیم و نظارت بر حرفه وکالت دادگستری»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و یکم، شماره ۲، ۱۴۰۰، ص ۶۱۳.

۳. مجتهدی، محمدرضا، «استقلال وکیل و چرایی آن»، مدرسه حقوق، شماره ۷۸، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲.

شناخته می‌شوند. از جمله ویژگی‌های مسلّم و ضروری نظام حرفه‌ای، استقلال و اختیارات اداری گسترده برای اداره تنظیم روابط با قوه حاکمه است. در این زمینه، حاکمیت صرفاً حق نظارت بر نظامات حرفه‌ای را دارد، نه حق دخالت و تخدیش استقلال حرفه‌ای.^۱

بند دوم. ماهیت کانون وکلا در حقوق ایران و فرانسه

نظام‌های حرفه‌ای را مؤسسات عمومی یا اشخاص حقوقی حقوق عمومی محسوب می‌کنند و قانون‌گذار برای تنظیم امور حرفه‌ای به این سازمان‌ها، اختیارات قدرت عمومی داده است. قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۵/۲۳ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، امور صنفی را خدمت عمومی تلقی می‌کند و برای اداره و تنظیم امور آن، سازمان امور صنفی را به وجود آورده است. در مجموع، در تعریف نظام حرفه‌ای می‌توان گفت نظام حرفه‌ای آن دسته از تشکیلات و سازمان‌هایی هستند که توسط صاحبان حرفه معین در هر بخش و به منظور دفاع از حقوق صنفی اعضا و برقراری نظم و انضباط در بین آن‌ها ایجاد می‌شود. در ایران، مصداق‌های بارز نظام‌های حرفه‌ای کانون وکلای دادگستری، نظام پزشکی، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، نظام معماری و ساختمانی و نظام صنفی است. این امور طبق قانون جزء خدمات عمومی محسوب گردیده و تنظیم و اداره آن‌ها بر عهده سازمان‌هایی گذاشته شده است که نظام حرفه‌ای نامیده می‌شوند.^۲

بررسی ماهیت کانون وکلای دادگستری در ایران بیانگر این است که این نهاد به یک اعتبار از شخصیت‌های حقوقی عمومی است و به اعتبار دیگر به قلمروی حقوق خصوصی تعلق دارد؛ زیرا بخشی از وظایف آن مربوط به ارائه خدمات معاضدت قضایی می‌گردد که در بسیاری از کشورها جزو خدمات اجتماعی دولت است و از سوی دیگر، رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و اعمال مجازات نسبت به آن‌ها و نیز اعطای پروانه وکالت انحصاراً از حاکمیت قضایی دولت ناشی می‌شود و در حقوق خصوصی، چنین حقی برای اشخاص متصور نیست.^۳

۱. ربیسی، لیل، «ماهیت استقلال وکیل دادگستری و مسئولیت نقض آن در جامعه بین‌المللی»، مدرسه حقوق، شماره ۱۳۹۱، ۷۸، ص ۱۶۳.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶.

۳. براتی طرقي، مجید و همکاران، «تعارضات و چالش‌های قانون‌گذاری: اصل استقلال وکیل در قانون اساسی ایران و انگلستان»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸۳.

تشخیص ماهیت حقوقی شخصیت کانون وکلا از آن جهت ضروری است که به هر نسبت، جنبه خصوصی شخصیت آن تقویت گردد، شباهت آن به یک مجمع صنفی که در کنار وظایف قانونی خود باید حافظ حقوق و منافع گروهی و مدافع حیثیت شغلی آنان باشد، بیش‌تر می‌شود. افزون بر آن، در امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی کم‌تر تردید صورت می‌گیرد. این ویژگی‌ها، کانون وکلا را به یک مؤسسه غیر انتفاعی حقوق خصوصی نزدیک‌تر می‌کند؛ زیرا همان گونه که این قبیل مؤسسات برای مقاصد غیر تجاری و به منظور تعقیب اهداف علمی و اجتماعی خاص و مورد علاقه اعضا تشکیل می‌شوند، اصلی‌ترین هدف از تشکیل کانون وکلا، نظم و نسق بخشیدن به ارائه خدمات حقوقی در جامعه توسط حقوق دانان و تلاش برای تأمین عدالت و اجرای قانون در مراجع قضایی است که در نهایت به تضمین قضایی برای افراد جامعه منجر می‌گردد.^۱

از نگاهی دیگر، کانون وکلای دادگستری، مصداق بارز نظام‌های حرفه‌ای است. منظور از ایجاد نظام‌ها یا سازمان‌های حرفه‌ای، سازمان دادن حرفه معین و ایجاد نظم و انضباط در بین صاحبان حرفه است^۲ یا به عبارتی، نظام حرفه‌ای آن دسته از تشکیلات و سازمان‌هایی هستند که توسط صاحبان حرفه معین در هر بخش و به منظور دفاع از حقوق صنفی اعضا و برقراری نظم و انضباط بین آن‌ها ایجاد می‌شود.

با توجه به قوانین عادی ناظر بر نظام‌های حرفه‌ای در ایران، ذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد: «مشاغلی که از نظر سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت بوده‌اند، مورد توجه قانون‌گذار و حکومت قرار گرفته‌اند. معمولاً این‌ها مشاغلی هستند که تصدی به آن‌ها نیاز به داشتن تحصیلات و مدرک دانشگاهی دارد. غیر از مشاغل و حرفی که دارای قانون خاص ناظر بر تشکیلات خود هستند، هر شغل و یا حرفه‌ای دیگر به طور عمومی، سایر مشاغل در چهارچوب نظام صنفی قرار می‌گیرد و بایستی بر اساس مقررات نظام صنفی به سازمان دهی شغل خود بپردازد. همه مشاغل و حرفه‌هایی که بر اساس قوانین در قالب نظام حرفه‌ای قرار می‌گیرند، مشاغلی هستند که به تعبیری، خویش فرما و یا شغل آزاد هستند و ارتباط آن‌ها با

۱. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، مبانی حقوق پیمان: شرح ماده به ماده موافقت‌نامه و شرایط عمومی پیمان، تهران: جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۵۵.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۴۰.

افرادی که مصرف‌کننده کالا و خدماتشان هستند، در قالب کارگر و کارفرما و یا حقوق کار قرار نمی‌گیرد»^۱. کانون وکلا در ایران از مصادیق انجمن‌های صنفی است که اصل ۲۶ قانون اساسی، آزادی آن‌ها را تضمین کرده است. اسناد و اعلامیه‌های حقوق بشری از آزادی و استقلال انجمن‌های غیر دولتی پشتیبانی می‌کنند. انجمن‌های مردمی و غیر دولتی در پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های عمومی و استوار ساختن پایه‌های نظام مردم‌سالاری در کشورها نقش بزرگی ایفا می‌کنند. این آزادی به معنای آن است که قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه، مجاز به هیچ‌گونه دخالتی در اداره این انجمن‌ها نیستند.^۲

بررسی ماهیت کانون وکلای دادگستری در ایران بیانگر این است که این نهاد به یک اعتبار، از شخصیت‌های حقوقی حقوق عمومی است و به اعتبار دیگر، به قلمروی حقوق خصوصی تعلق دارد؛ زیرا بخشی از وظایف آن به ارائه خدمات معاضدت قضایی مربوط می‌گردد که در بسیاری از کشورها جزء خدمات اجتماعی دولت است و از سوی دیگر، رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و اعمال مجازات نسبت به آن‌ها و نیز اعطای پروانه وکالت انحصاراً از حاکمیت دولت ناشی می‌شود و در حقوق خصوصی، چنین حقی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی متصور نیست. هرچند تأکید بر این جنبه از وظایف کانون وکلا، جنبه عمومی شخصیت حقوقی آن را تقویت می‌کند، ولی استقلال مالی و مدیریتی آن نیز می‌تواند آن را در عداد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی قرار دهد. جنبه خصوصی کانون وکلا، شباهت آن را به یک مجمع صنفی بیش‌تر می‌کند که امکان مطالبه حقوق اشخاص حقوق خصوصی را نمایان می‌سازد.^۳

بر اساس ماده ۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، «کانون وکلای دادگستری، مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی» در این قانون به نوع شخصیت حقوقی کانون وکلا اشاره‌ای نشده است. ماده ۱۸ قانون وکالت نیز کانون وکلا را مؤسسه‌ای دارای شخصیت حقوقی می‌داند که از نظر نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج، مستقل است. در نهایت، با توجه به بند «ب» ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، نهادهای

۱. امامی، محمد و کوروش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰.

۲. کاشانی، سید محمود، «استقلال کانون وکلای دادگستری؛ دستاورد وکلای دادگستری ایران و جهان»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۹۲-۱۹۳، ۱۳۸۹.

۳. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، وکلای جوان بدانند (درس اول: پیشه وکالت)، تهران: دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۸۰.

حرفه‌ای جزء اشخاص حقوقی حقوق خصوصی‌اند. این بند مقرر داشته است: «مؤسسات خصوصی حرفه‌ای عهده‌دار مأموریت عمومی، مؤسسات غیر دولتی می‌باشند که مطابق قوانین و مقررات، بخشی از وظایف حاکمیتی را بر عهده دارند، نظیر کانون کارشناسان رسمی دادگستری، سازمان نظام پزشکی و سازمان نظام مهندسی.» اگرچه در این حکم قانونی از کانون وکلا به صراحت نام برده نشده، با توجه به ماهیت و کارکرد این نهاد، این کانون نیز داخل در این تعریف است.

در فرانسه نیز اولین سندی که به موضوع وکالت پرداخته، پیمان نامه سال ۸۰۲ Charlemagne است. در این کشور، «سازمان وکلا و نظام وکالتی از زمان‌های قدیم سرچشمه می‌گیرد و به حقوق رم می‌پیوندد، چنان‌که کلمه «نظام وکالتی» در یک فرمان دوره امپراتوری ژوستین به کار رفته است.» باید یادآور شد که بخشی از وکلای قرون وسطی، روحانیونی بودند که با لباس سیاه‌رنگ در دادگاه‌ها حاضر می‌شدند که در واقع، لباسی که وکلای فرانسوی امروز در دادگاه‌ها استفاده می‌کنند، یادگار همان دوران است. اولین بار در زمان سلطنت سن لوئی، پادشاه فرانسه در سال ۱۲۷۰ میلادی، مصوباتی که از حقوق رم الهام گرفته بود، برای وکلای مدافع اجرا شد. یکی از فصول آن مربوط به چگونگی حضور وکلای مدافع در دعوا بود. بدین ترتیب، نخستین سنگ بنای جامعه صنفی وکلا و نظم و سامان در کار وکالت در فرانسه نهاده شد. در فرانسه آن روز le Hardi Philippe III به موجب دستور مورخ ۲۳ اکتبر ۱۲۷۴ برای وکلای عضو پارلمان، شخصیت مجزایی قائل گردید که از آن جمله می‌توان به «حق داشتن عنوان سرور (Maître)؛ کسی که بر دیگری اقتدار و تسلطی دارد» اشاره کرد.^۱

در فرانسه، شورای ملی کانون‌های وکلای فرانسه به موجب قانون شماره ۹۰-۱۲۵۹ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ به وجود آمد که در واقع، اصلاحی بر ماده ۲۱-۱ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ بود. این شورای ملی، نهادی در جهت خدمت همگانی است که شخصیت حقوقی مجزا دارد و نماینده تمامی وکلای عضو کانون‌های وکلای فرانسه است. در ضمن، هر وکیل دادگستری در فرانسه الزاماً عضو یکی از ۱۶۱ کانون محلی فرانسه است. شورای ملی کانون‌های وکلا موظف به معرفی حرفه وکالت در سطح ملی و بین‌المللی است و طرف خطاب مقامات عمومی قرار می‌گیرد و در تهیه و تدارک هر متنی که به حرفه وکالت و شرایط این حرفه مربوط می‌شوند، مشارکت می‌کند و در خصوص سؤالات مربوط به

۱. کیخسروی، آرش، «کانون وکالت در فرانسه»، وبلاگ وکیل ملت، ۱۳۹۴، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۷/۲.

موضوعات حقوقی اعم از قوانین آیین نامه ها و نهادهای قضایی هم دخالت می کند.^۱

بند سوم. سازوکار نظارت بر کانون های وکلا در ایران و فرانسه

یکی از جلوه های نقض استقلال نهاد وکالت، دخالت قوه قضاییه از طریق صدور آیین نامه و قانون است. این امر، منافی اصل استقلال وکیل است؛ چون با قبول اصل استقلال وکیل و کانون وکلا، قوه قضاییه، مجاز به صدور آیین نامه و قانون برای آن ها نخواهد بود و تنها می تواند نقش نظارتی داشته باشد. از سوی دیگر، قانون گذاری در حیطه وظایف و اختیارات قوه مقننه است که این مسئله هم با صدور آیین نامه و قانون برای کانون وکلا منافات دارد. با این وجود، در تحولات قوانین حقوقی مربوط به استقلال وکیل و کانون وکلا، معاونت حقوقی قوه قضاییه، پیش نویس آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری را در ۱۹۸ ماده پیشنهاد کرده است. پیش نویس این آیین نامه، واکنش های بسیاری را در میان جامعه حقوقی کشور ایجاد کرده و حقوق دانان و کانون های وکلا تنظیم این آیین نامه را بر خلاف نص صریح مواد ۱ و ۲۲ لایحه قانونی استقلال می دانند و معتقدند در صورت تصویب آن، کانون های وکلای دادگستری به نهادی وابسته به قوه قضاییه تبدیل خواهند شد. در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری پیش بینی شده که تنظیم گری بر عهده کانون وکلا و تصویب یا رد بر عهده قوه قضاییه است، نه دست بردن در پیشنهاد و تنظیم آیین نامه مورد نظر در قالب تصویب توسط قوه قضاییه. بنابراین، مرجع تشخیص ضرورت و پیشنهاد را کانون وکلا اعلام نکرده، بلکه علت اصلی این است که کانون وکلا از دادگستری مستقل شود.^۲

اگرچه سازمان های حرفه ای وکلا نباید تحت مدیریت نهادهای حاکمیتی به خصوص قوای مجریه و قضاییه باشند، تفویض برخی امتیازات حاکمیتی به آن ها مستلزم طراحی سازوکار کنترل عمومی اعمال و تصمیمات آن هاست. این نظارت به منظور اطمینان یابی از رعایت قوانین و مقررات مربوط است. بازنگری قضایی با داشتن ویژگی هایی مانند استقلال مرجع نظارت کننده و لزوم اعمال آیین نامه های مربوط به دادرسی عادلانه موجبات نظارت مناسب و منصفانه را بر تصمیمات

۱. رحیمی، یاسر، «نگاهی به شورای ملی کانون های وکلای فرانسه»، تارنمای اسکودا (اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۷/۱۲.

۲. براتی طرقی و همکاران، پیشین، ص ۱۳.

نهاد حرفه‌ای وکالت فراهم می‌آورد. بر اساس ماده ۲۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، این نهاد می‌تواند با رعایت قوانین مربوط، آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون مانند انتخابات، طرز رسیدگی به تخلفات و نوه تخلفات، مجازات آن‌ها، ترفیعات و کارآموزی و پروانه وکالت را تنظیم و پس از تصویب وزیر دادگستری اجرا کند. در خصوص تصمیمات و اقدامات کانون وکلا و نیز مصوبات آن‌ها، این سؤال قابل طرح است که مرجع شکایت از آن‌ها کجاست؟ مواد ۱۰ و ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در این زمینه حکمی ندارد. نهادهای حرفه‌ای مانند کانون وکلا را نمی‌توان در عداد واحدهای دولتی قرار داد، به ترتیبی که در ماده یادشده به آن اشاره شده است. ظاهراً در این قبیل موارد، بر اساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی، دادگاه‌های عمومی دادگستری را باید صالح به رسیدگی دانست.^۱

در فرانسه، تمامی تصمیمات هیئت مدیره کانون وکلا که خارج از حدود صلاحیت آن و به طور کلی، مغایر قوانین و مقررات مربوط باشد، به درخواست دادستان کل در دادگاه پژوهش قابل ابطال است. هم‌چنین امکان شکایت از تصمیمات هیئت مدیره که به ضرر منافع صاحبان حرفه وکالت است، بنا به درخواست ذی‌نفع قابل رسیدگی در دادگاه یادشده است.^۲

بند چهارم. نگاهی به رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

در خصوص رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز باید گفت در مواردی که آیین‌نامه‌های مربوط به قوانین نهاد وکالت مصوب مقام دولتی مانند وزیر دادگستری باشد، موضوع در دیوان عدالت اداری قابل شکایت است. در این خصوص به رأی شماره ۲۷۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، در خصوص ابطال بند ۸ ماده ۳۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ وزیر دادگستری می‌توان اشاره کرد که بیان داشته است: «نظر به این‌که تعیین شرایط لازم جهت صدور پروانه کارآموزی وکالت در صلاحیت قوه مقننه قرار دارد و قانون‌گذار به شرح ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶، شرایط مذکور را معین و مشخص کرده است، بنابراین، بند ۸ ماده ۳۲ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که گواهی‌نامه اداره

۱. تنگستانی و مرادی برلیان، پیشین، ص ۶۰۷.

۲. همان.

کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی را از جمله مدارک لازم جهت صدور پروانه کارآموزی وکالت اعلام داشته، خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان ابطال می‌گردد».

هم چنین هیئت عمومی دیوان در دادنامه شماره ۲۸۰-۲۸۱ مورخ ۱۳۸۹/۸/۳ در مقام ابطال بخش نامه شماره ۱۵۰۸۸/۴۴۲۵۳ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۵ معاون اول ریاست جمهوری اظهار داشته است: «با توجه به این که در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، شرایط عمومی و اختصاصی لازم برای دریافت پروانه وکالت و انجام کارآموزی مقرر شده است، هم چنین مواد ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، شرایط اعطای پروانه وکالت، چگونگی ترفیع و طبقه بندی صلاحیت آنان را مشخص نموده است و در ماده ۱۸۷ قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اجازه تأیید صلاحیت فارغ التحصیلان رشته حقوق برای تأسیس مؤسسات حقوقی و مشاوره به قوه قضاییه تجویز شده است، بندهای ۱۹، ۱۱۰ و ۱۱۲ ماده یک و بند ۱۵ ماده ۵ و ماده ۱۴ و تبصره های ذیل بند ۳ شق (الف) و (ب) ماده ۱۵ و بندهای ۴، ۵ و ۸ ماده ۱۶ و بند یک شق (ب) ماده ۱۶ و مواد ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۲۶ شیوه نامه مورد شکایت که به تعیین صلاحیت و چگونگی رتبه بندی و تعقیب انتظامی وکلای دادگستری و نیز به دریافت کنندگان مجوز تأسیس مؤسسه حقوقی از قوه قضاییه ناظر است، مغایر قانون، تشخیص و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردند».

در این دادنامه، هیئت عمومی دیوان با به رسمیت شناختن استقلال کانون وکلا، تعیین صلاحیت و چگونگی رتبه بندی و تعقیب انتظامی وکلای دادگستری و نیز اعطای مجوز تأسیس مؤسسه حقوقی به قوه قضاییه را خلاف قانون و خارج از اختیارات مقام مصوب (رییس قوه قضاییه) دانسته و به همین دلیل، دیوان عدالت اداری آن را ابطال کرده است.

نتیجه گیری

کانون وکلا در ایران همانند بسیاری از کشورهای مرفعی جهان، یکی از قدیمی ترین نهادهای مدنی است که طبق قانون و با اقتباس از ماده ۱۸ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، مؤسسه ای ملی و دارای شخصیت حقوقی تعریف شده بود که از جهت نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج

مستقل است. در قوانین بعدی، استقلال آن وسعت یافت و امور مربوط به نظامات را دربرگرفت. علاوه بر حقوق داخلی، نقش واقعی نهاد وکالت در دفاع از حقوق انسان‌ها در جامعه بین‌المللی نیز قابل جست‌وجوست؛ زیرا شخصیت وکیل هر چند با توجه به تابعیت او تعریف می‌شود، ولی در واقعیت، عنصری بین‌المللی و کاملاً غیر انتفاعی شناخته می‌شود. شخصیتی که صرف نظر از تعلقات فکری و عقیدتی مورد احترام جامعه بین‌المللی بوده و تکلیف دارد از رهگذر ایده‌های منصفانه، تحقق حقوق انسان‌ها را در روند دادرسی و دادخواهی متجلی سازد و استقلال خود را از جنبه‌های مختلف حفظ کند. البته گاهی شاهد برخی وابستگی‌ها (مالی، مدیریتی و ساختاری) در قانون‌های وکلا هستیم.

بررسی شرایط حاکم و ساختار اداری و کارکردی قانون وکلا در دو کشور ایران و فرانسه نشان می‌دهد با وجود برخی تفاوت‌های قانونی و کارکردی، مشابهت‌هایی نیز از نظر ساختار اداری و تشکیلاتی در قانون وکلای این دو کشور مشاهده می‌شود. پس بایست اذعان کرد که قانون وکلا در ایران نیز هم‌گام با دیگر کشورهای جهان، گام‌های موفقی در راستای حفظ استقلال، عمل به وظایف قانونی و حفظ ساختار سازمانی و حقوقی خود برداشته است. از این رو، بر خلاف قوانین سابق، در قوانین جاری، قانون وکلا شخصیت حقوقی مستقلی دارد که با ساختار قانونی مشخص و با هیئت عمومی، هیئت مدیره، دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا به امور تخصصی خود می‌پردازد.

چون ساختار سازمانی قانون وکلا در تداوم حیات پویای آن و حفظ جایگاه وکلا و اثرگذاری آن‌ها بر نظام اجرایی عدالت نقشی بسزا دارد، شایسته است که متولیان امور، خواسته‌های جامعه وکالت و شأن وکلا را از نظر علمی، عملی، اخلاقی و معنوی تأمین و حفظ کنند. تحقق این امر هم تا حد زیادی به ساختار تشکیلاتی و پیش‌بینی سازوکارهای لازم در زمینه مقررات مربوط بستگی خواهد داشت که در صورت تصویب برخی قوانین خلق‌الساعه یا بی‌پشتوانه، استقلال و پویایی قانون وکلا تهدید و تضعیف می‌شود.

فهرست منابع

۱. کتاب

۱. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، مبانی حقوق پیمان: شرح ماده به ماده موافقت نامه و شرایط عمومی پیمان، تهران: جاودانه، ۱۳۸۷.
۲. اسماعیلی هریسی، ابراهیم، وکلای جوان بدانند (درس اول. پیشه وکالت)، تهران: دادگستر، ۱۳۸۵.
۳. امامی، محمد و کوروش استوارسنگری، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۴. انصافداران، محمدرضا، بررسی تطبیقی وظائف حرفه‌ای وکیل دادگستری، تهران: جنگل، ۱۳۸۶.
۵. حسینی آزاد، علی، حق برخورداری از وکیل در موازین حقوق بین الملل بشر و تجربه موفق برخی کشورها، تهران: امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
۶. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (جلد ۱)، تهران: دراک، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۸.
۷. شمس، عرفان، خودتنظیمی، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۰. قهرمانی، نصرالله و ابراهیم یوسفی محله، مجموعه کامل مقررات وکالت، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۱. واعظی، سید مجتبی، حقوق اداری (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۴۰۰.
۱۲. الیوت، کترین و کترین ورنون، نظام حقوق فرانسه، ترجمه: صفر بیگزاده، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.

۲. مقاله

۱. ادیب‌زاده، یوسف و حبیب‌الله حبیبی، «جایگاه بین‌المللی نهاد وکالت»، تارنمای اینترنتی ایرنا، ۱۳۹۹، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۸/۲. www.irna.ir/news
۲. اصغریان، مجتبی و همکاران، «مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت؛ مطالعه

- موردی نظام حقوقی انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و هفتم، شماره ۱۲۱، ۱۴۰۲.
۳. براتی طرقي، مجید و همکاران، «تعارضات و چالش‌های قانون‌گذاری: اصل استقلال وکیل در قانون اساسی ایران و انگلستان»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۸.
۴. تنگستانی، محمدقاسم و مهدی مرادی برلیان، «گستره نقش دولت در تنظیم و نظارت بر حرفه وکالت دادگستری»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و یکم، شماره ۲، ۱۴۰۰.
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر و فرشته اسدی، «مصونیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوق، دوره سی و هشتم، شماره ۴، ۱۳۸۷.
۶. حسین‌آبادی، امیر، «استقلال وکیل؛ شرط دادرسی عادلانه، پایگاه خبری اختیار»، تاریخ دسترسی به متن: ۱۴۰۲/۵/۱: www.ekhtebare.ir.
۷. خانی والی‌زاده، سعید، «حق برخورداری از وکیل در رسیدگی‌های اداری در ایران و فرانسه»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۷، ۱۳۹۷.
۸. خداوردی آرش، حسین و همکاران، «آسیب‌شناسی حقوقی تنظیم‌گری دولت در حوزه رمز ارزها»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۴۰۲.
۹. ذوالعین، نادر، «بررسی آیین وظایف صنفی وکلای دادگستری جامعه اروپا»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۶۶، ۱۳۹۷.
۱۰. ذوالعین، نادر، «وکالت دادگستری در فرانسه؛ حرفه‌ای تحت حمایت و نظارت کانون وکلا»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۳، ۱۳۸۰.
۱۱. رحیمی، یاسر، «نگاهی به شورای ملی کانون‌های وکلای فرانسه»، تارنمای اسکودا (اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۷/۱۲.
۱۲. ریسی، لیل، «ماهیت استقلال وکیل دادگستری و مسئولیت نقض آن در جامعه بین‌المللی»، مدرسه حقوق، شماره ۷۸، ۱۳۹۱.
۱۳. سربازی، ناصر و همکاران، «واکاوی نقش تنظیم‌گری بانک مرکزی در معاملات اسناد تجاری در پرتوی قانون جدید چک»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۴۰۲.
۱۴. سلیمیان، ابوالفضل و سعید دریایی بغدادآبادی، «جایگاه نهاد وکالت در چارچوب اسناد

- بین‌المللی حقوق بشر»، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۹، ۱۳۹۴.
۱۵. شکریان، امیر و فرشاد خزایی، «لزوم استقلال نهاد وکالت و راهکارهایی برای تعامل این نهاد با قوه قضاییه»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه استانداردهای وکالت، دوره بیست و پنجم، ۱۴۰۱.
۱۶. کاشانی، سید محمود، «استقلال کانون وکلای دادگستری؛ دستاورد وکلای دادگستری ایران و جهان»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۹۲-۱۹۳، ۱۳۸۹.
۱۷. کیخسروی، آرش، «کانون وکالت در فرانسه»، وبلاگ وکیل ملت، ۱۳۹۴، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۷/۲.
۱۸. مجتهدی، محمدرضا، «استقلال وکیل و چرایی آن»، مدرسه حقوق، شماره ۷۸، ۱۳۹۱.
۱۹. محسنی، حسن و مجید غمامی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۲۰. محسنی، حسن، «تحولات دادگستری و کانون وکلا: از تبعیت به استقلال، از استقلال به تبعیت»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و چهارم، شماره ۴، ۱۳۹۳.
۲۱. واعظی، سید مجتبی، «مسئولیت انتظامی وکلا و اصول رسیدگی به آن»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه استانداردهای وکالت، شماره ۱۰۰، ۱۴۰۱.
۲۲. یآوری، اسدالله، «درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۳.

The independence of the association of lawyers and its administrative and organizational structure in the legal system of Iran and France

AliAkbar Shahnazari Karbasoraei¹

Valiollah Ansari²

Azizollah Fazli³

Abstract

The community of lawyers in the board of the legal institution is an educated part of the civil society that plays a reviving role in the domestic and international spheres and a central role in protecting individual rights and fulfilling the rights of society and strengthening the foundations of justice. The real aspect is undeniable. Due to the importance of the agency and its independence, several laws have been approved so far to maintain the independence and non-dependence of various aspects of this institution. Therefore, how to design their structure, organization, and administrative and financial relations is one of the most sensitive issues to be considered in the category of independence and legal function of this institution, which has been taken into consideration in all countries. For this purpose, in this analytical-descriptive study, the status of the independence of the legal profession and its administrative and organizational structure in the legal system of Iran and France was examined. The results of this research showed that despite legal and functional differences in both countries, there are similarities in terms of the administrative and organizational structure of the lawyers' association and also in terms of the laws governing this profession.

Key words: Bar association, independence of lawyers, structure, legal system of Iran, legal system of France.

1. PhD student, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, ali.shahnazari@gmail.com

2. Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, drvaliansari@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, azizolla.fazli@gmail.com